

۳ سناریوی پیش روی صنایع بورسی

ایستنا | اهلن عصمت پناه، کارشناس بازار سرمایه درباره روند بازار سرمایه بعد از بازگشایی اظهار کرد:در جهان اقتصاد، هیچ متغیری به اندازه «عدم قطعیت بر خاسته از جنگ» توان دگرگونی معادلات را ندارد. بازگشایی بازار بورس تهران بعد از یک برهه زمانی سخت، تنها یک رویداد معاملاتی نیست، بلکه نمایشی از تقابل «منطق سرمایه» با «واقعیت های زیر ساختی» است. وقتی بازار با پس از یک وقفه پر مخاطره باز گشایی می‌شوند، شاخص ها نه تنها آینده تمام‌نمای وضعیت موجود، بلکه نبض انتظارات جمعی یک ملت و تصویری از امیدها و نگرانی های مردم‌برای فراداستند.وی ادامه داد: رفتار غیرمنتظره بازار سهام پس از بازگشایی اخیر، آنجا که شاخص هادر واکنش به آسیب‌های گسترده به پتروشیمی و فولاد به جای فروپاشی، مسیر صعودی را در پیش گرفتند، یک «خطای محاسباتی» نیست، بلکه یک «ساز و بقا» در اقتصاد ایران است. عصمت‌پناه تصریح کرد: این جهش خلاف جریان آب، حاصل همگرایی سه نیروی پنهان است؛ تغییر مقیاس ارزش‌گذاری (تجدید ارزیابی تورمی) بازار سرمایه ایران در دوران پساجنگ، از مدل «سودآوری عملیاتی» به مدل «حفظ ارزش دارایی» شیف‌ت کرد. «وقتی ارزش پول ملی کاهش می‌یابد، هزینه ساخت دوباره کارخانه‌ها به‌شدت بالا می‌رود، در نتیجه، ارزش واقعی دارایی‌ها و کارخانه‌های موجود در بورس به صورت خود کار با قیمت‌های جدید و تورمی بازار تطبیق پیدا کرده و قیمت سهام رشد می‌کند.»

دیگر اینکه پدیده «کمپایی تحمیلی»، آسیب به زیرساخت‌های پتروشیمی و فولاد به منزله حذف عرضه است. در ذهن سرمایه‌گذاران این کمبود عرضه به معنای افزایش قدرت قیمت‌گذاری شرکت‌های باقی‌مانده و رشد حاشیه سود در محصولات داخلی است. نیروی دیگر حمایت ساختاری برای بازسازی، نقدینگی انباشته‌شده در دوران تعطیلی که با تکپه بر سیکنال‌های دولتی مبتنی بر احیای صنایع استراتژیک، به جای خروج، به سمت سهام‌های «بزرگ مقیاس» حرکت کرد تا عملاً بخشی از تأمین مالی بازسازی را پیش‌خور کند. این کارشناس بازار سرمایه توضیح داد: اکنون که گرد و غبار هیجانات اولیه فرو نشسته، بازار در یک نقطه عطف قرار گرفته و حرکت بعدی آن در یکی از سه مسیر زیر شکل خواهد گرفت؛ حالت اول، جهش بازسازی (خوش‌بینانه)، «تأمین بودجه برای خرید تجهیزات و سرعت بخشیدن به تعمیرات اساسی کارخانه جهت بازگشت سریع به چرخه تولید.» حالت دوم، رکود فرسایشی (واقع‌بینانه) «طولانی شدن زمان رفع موانع عملیاتی و محدودیت‌های زنجیره تأمین» و حالت سوم، تورم هزینه‌ای (بدبینانه) «کاهش سود خالص شرکت‌ها به دلیل صرف درآمدها برای تعمیر و نوسازی کارخانه‌ها. آنچه امروز در بازار شاهد هستیم، «بورس‌مدی» نیست، بلکه یک «بورس بازسازی» است. در این شرایط، بزرگ‌ترین اشتباه، انکنا تبعیدی بر نسبت‌های مالی سنتی است. او با بیان اینکه در این مقطع، باید تمام ابعاد بررسی شود و به دنبال شرکت‌هایی بود که «ارایی‌های فیزیکی شان

کمتر آسیب دیده» اما قیمت‌گذاری محصولاتشان به ارز و نرخ تورم گره خورده است، گفت: این سه‌ها در واقع «سپر تورمی» شما در دوران گذار خواهند بود و مدل کسبوکار آنها مبتنی بر تقاضای مصرفی مداوم است. شرکت‌های غذایی، دارویی و شرکت‌های خدماتی که فروش آنها به نوسانات زیرساختی صنایع سنگین وابسته نیست؛ از جمله صنایع مدنظر به حساب می‌آیند این کارشناس بورس تصریح کرد: مزیت این صنایع، هنگام نوسان نرخ اسمی یا تورم، پایداری در جریان نقدی، سود ثابت کمتر در زمان بحران‌ی و امنیت سید دارایی در برابر شوک‌های ناگهانی، ریسک این صنایع، باردهی محدودتر در مقایسه با صنایع پرشتاب بازسازی و اما موضوع بااهمیت توجه به صنایع مبتنی بر معدن و استخراج فلزات گران‌بهای بازار است که به عنوان «پناهگاه امن» عمل می‌کنند. بررسی محصولات معدنی (به‌ویژه طلا و فلزات گرانبها)، که در بازارهای جهانی ارزش ذاتی ثابتی دارند. استخراج این معادن فارغ از شرایط نوسازی زیرساخت‌های داخلی، یک جریان درآمدی ارزی و قدرتمند ایجاد کند که ریسک سید شما را در دوران نوسان به‌شدت کاهش می‌دهد. مزیت این صنایع پایداری در جریان نقدی، همسنگی معکوس با تورم و امکان بالای دارایی در برابر شوک‌های اقتصادی است و ریسک این صنایع حاشیست به تغییرات جهانی قیمت جهانی فلزات و محدودیت‌های لجستیکی در انتقال محصول است. در زمان‌هایی که ابهامات ژئوپلیتیک و ریسک‌های تورمی بالا هستند، تکپه صرف بر یک بازار منطقی نیست. عصمت‌پناه ادامه داد: طلا، فلزات گران‌بها (سنگر اصلی) در شرایط فعلی، طلا به عنوان «لنگر گاه امن» عمل می‌کند. پیشنهاد می‌شود بخش اعظم (بف عنوان مثال، حدود ۴۰ تا ۵۰ درصد) از سید دارایی خود را با انواع دارایی‌های مبتنی بر طلا (مانند صندوق‌های پوشش‌توله طلا در بورس یا پاتلای فیزیکی یا سهام‌بمتنی بر فلزات گرانبها) اختصاص دهید تا در برابر کاهش احتمالی ارزش پول ملی مصون بماند. دارایی‌های ارزی و دلاری، نگهداری بخشی از دارایی به صورت ارز یا سهام شرکت‌های «صادرات محور» که درآمدهای ارزی دارند یا دارایی‌های دلار محور، نیز یکی از تعدیل اثرات تورم دارد. این دارایی‌ها همانند یک ضربه‌گیر در برابر افت ارزش ریال عمل می‌کنند. صندوق‌های سرمایه‌گذاری بورس برای کاهش ریسک سید، از صندوق‌های «سهامی» یا «درآمد ثابت» یا «مختلط» و وزن میزان پذیرش ریسک خود و میزان نقدینگی، استفاده کنید. صندوق‌های سهامی و مختلط به شما اجازه می‌دهند بدون نیاز به تحلیل دقیق تک‌تک شرکت‌ها، از رشد کلی بازار ساجران بهره‌مند شوید و صندوق‌های درآمد ثابت نیز نقدینگی شما را در روزهای

صندوق‌های خود را حفظ می‌کنند.

۴

تعالول

«تعالول» روند معاملات بازار سهام را بررسی می‌کند

بورس بر مدار خوش‌بینی

بورس تهران هر روز قله‌های جدیدی را فتح می‌کند و سود بیشتری را برای سرمایه‌گذاران خود بر جای می‌گذارد. بازار سهام نسبت به اخبار سیاسی خوش‌بین بوده و از سوی دیگر نسبت به سایر بازارهای موزای عقب‌است و عقب‌ماندگی ادامه‌دار بورس باعث شده که شاهد ورود نقدینگی ادامه‌دار به معاملات بورس تهران باشیم. سید عباس عراقچی وزیر امور خارجه کشور مان اعلام کرد: «احتمال اعلام تفاهم با امریکایی روزهای آینده وجود دارد اما هنوز نهایی نیست.» همین موضوع باعث شد که بورس تهران واکنشی مثبت نشان دهد و رختی سبز بر تن کند و در آستانه ۵ میلیون‌ی قرار گیرد. بازار سهام در روزهای تنش حدود ۸۰ روز تعطیل بود و پس از آغاز معاملات توانست رخت سبز بر تن کند و شرایط خوبی را تجربه کند؛ در اصل بازار با ورود نقدینگی های بسیار سنگین همرا بوده و بخش عمده‌ای از این نقدینگی، نقدینگی حقیقی بوده و بخشی از آن نیز از صندوق‌های درآمد ثابت خارج شده و وارد بازار سهام شده است. به بیان دیگر سرمایه‌گذاران، ریسک بورس را در مقابل سود بیشتر آن قبول کرده‌اند و در معامله به دنبال سود بیشتری هستند. در پایان معاملات اولین روز کاری هفته، شاخص کل بورس تهران با جهشی قابل توجه مواجه شد و توانست رشد ۱۰۳ هزار و ۱۷۸ واحدی را به ثبت برساند. به این ترتیب شاخص کل با افزایش ۲۰۲.۵ درصدی در سطح ۵ میلیون و ۶۹۶ هزار و ۲۲۸ واحد ایستاد و در آستانه ۵ میلیون قرار گرفت و به گفته کارشناسان شاخص در چند قدمی ۵ میلیونی قرار گرفته‌است. هم‌زمان شاخص کل هم‌وزن که نشان می‌دهد رشد بازار تنها منوط به گروهی خاص یا حتی دستوری نبوده و سهام‌خرد نیز رشد داشته، با افزایش ۳۰۱ هزار و ۹۲۷ واحدی معادل ۲.۵ درصد به ارتفاع یک میلیون و ۲۶۶ هزار و ۱۹۰ واحد رسید. رشد هم‌زمان و قابل توجه این دو شاخص نشان می‌دهد که جریان تقاضا تنها به سمت شرکت‌های بزرگ و شاخص‌ساز هدایت نشده و طیف گسترده‌ای از نمایندگان گروه‌های مختلف با استقبال سرمایه‌گذاران مواجه شده‌اند. بررسی نقشه معاملات نشان می‌دهد که بازار سهام یکی از سبزترین روزهای خود در سال جاری را تجربه کرده است. در پایان دادوستدها، ۸۲۵ نماد در محدوده مثبت قرار گرفتند و تنها ۳ نماد کاهش قیمت را ثبت کردند. چنین آماري به خوبی بیانگر غلبه مطلق تقاضا بر عرضه در اکثر نمادهای بازار است و نشان می‌دهد شرایط معاملات از اغلب گروه‌ها باخوش‌بینی و هیجان خریدمرا بوده‌است. در کنار این موضوع، تعداد نمادهایی که با صف خرید به کار خود پایان دادند نیز بسیار قابل توجه بود. در مجموع ۷۹۵ نماد در صف خرید قرار گرفتند، در حالی که تنها ۳ نماد در صف فروش باقی‌ماندند. شکل‌گیری چنین صف‌هایی نشان می‌دهد حجم تقاضا برای خرید سهام به مراتب بیشتر از عرضه موجود در بازار بوده و بسیاری از خریداران موفق به انجام معامله نشده‌اند. به بیان دیگر، در بخش قابل توجهی از نمادهای عرضه سهام، شاخکوی حجم سفارش‌های خرید نبوده و همین موضوع باعث شد صف‌های خرید سنگینی را

پایان معاملات شکل بگیرد. یکی از مهم‌ترین نکات معاملات روز شنبه ورود چشمگیر سرمایه‌های حقیقی به بازار سهام بود. در پایان دادوستدهایش از ۶ هزار و ۵۶۴ میلیارد تومان در حالی که ارزش سفارش‌های فروش تنها حدود ۲۳ میلیارد تومان بود. چنین فاصله‌ای میان سفارش‌های خرید و فروش در بازار سهام می‌شود و نشان می‌دهد سرمایه‌گذاران خرید بار دیگر توجه جدی‌تری به بازار سهام نشان داده‌اند. ورود چنین حجمی از سرمایه می‌تواند نشانه‌ای از تقویت انتظارات مثبت نسبت به آینده بازار و افزایش تمایل فعالان حقیقی برای حضور در معاملات باشد. در مقابل، صندوق‌های درآمد ثابت که معمولاً به عنوان یکی از مقاصد سرمایه‌گذاری کم‌ریسک شناخته می‌شوند، با خروج قابل توجه منابع مواجه شدند. در جریان معاملات روز چهارم پیش از آن، ۱۲۰ میلیارد تومان نقدینگی از این صندوق‌ها خارج شد. این جابه‌جایی منابع بیانگر آن است که بخشی از سرمایه‌گذاران ترجیح داده‌اند سرمایه خود را از ابزارهای کم‌ریسک‌تر خارج کرده و به سمت بازار سهام هدایت کنند، روندی که معمولاً در دوره‌های افزایش خوش‌بینی نسبت به چشم‌انداز بازار رخ می‌دهد. سرانه خرید سرمایه‌گذاران حقیقی به حدود ۱۳۲ میلیون و ۷۰۰ هزار تومان رسید، در حالی که سرانه فروش در سطح ۳۹ میلیون و ۷۰۰ هزار تومان قرار داشت. به این ترتیب نسبت قدرت خرید به فروش حقیقی‌ها به عدد ۳.۲۴ رسید. رقمی که نشان‌دهنده برتری قابل توجه خریداران در بازار است.

فرمول پیش‌بینی بورس در یک سال آینده

بررسی چشم‌انداز بازار سرمایه در دوره‌ای که با تنش‌های سیاسی و اقتصادی همراه است به یکی از مهم‌ترین موضوعات مورد توجه فعالان بازار سهام تبدیل شده‌است. در این میان، برای ارزیابی مسیر پیش‌روی بورس باید متغیرهای اثرگذار بر سودآوری شرکت‌ها، ارزش‌گذاری سهام و روندهای بنیادی اقتصاد را شناسایی و تحلیل کرد. در همین رابطه، محمد نوربخش، اقتصاددان، تحلیلگر ارشد بازارهای مالی و کارشناس خبره بازار سرمایه، در گفت‌وگو با مهر به تشریح چارچوبی برای تحلیل آینده بورس پرداخت و تأکید کرد که برای ارزیابی مسیر پیش‌روی بازار، ابتدا باید متغیرهای اثرگذار بر سودآوری شرکت‌ها و ارزش‌گذاری سهام را شناسایی کرد.

بخشی از بازار هنوز متوقف است

نوربخش در ابتدای سخنان خود با اشاره به شرایط خاص بازار سرمایه پس از جنگ‌اظهار کرد: بازار سرمایه در حالی فعالیت خود را از سر گرفت که بازگشایی آن به صورت کامل انجام نشد و هنوز بخشی از نمادها به دلایل مختلفی متوقف هستند. در روزهای ابتدایی آغاز معاملات، بسیاری از سهام با فشار فروش و نوسانات قابل توجه مواجه بودند، اما پس از گذشت مدت کوتاهی شاهد رشد اسمی قیمت سهام در نمادهای فعال بودیم. وی افزود: با وجود این رشد، هنوز بخش بزرگی از بازار در وضعیت توقف قرار دارد و نمی‌توان تصویر کاملی از واکنش کل بازار به شرایط جدید ارائه کرد. به همین دلیل ارزیابی وضعیت بورس نیازمند نگاه عمیق‌تری به متغیرهای بنیادی اقتصاد است.

چرا بازدهی بورس حتی بدون افت قیمت نیز می‌تواند منفی باشد؟

این تحلیلگر بازار سرمایه با اشاره به شرایط تورمی توضیح داد: پیش از بازگشایی بازار نیز مطرح کرده بودم که حتی اگر بورس بدون افت قیمت و بدون ثبت معاملات منفی بازگشایی شود، باز هم از منظر واقعی یا حقیقی با کاهش ارزش مواجه خواهد بود. دلیل این موضوع آن است که در فاصله تعطیلی بازار، سایر دارایی‌ها و کالاها به واسطه تورم، افزایش قیمت قابل توجهی را تجربه کرده‌اند. وی در توضیح مفهوم بازدهی حقیقی گفت: بسیاری از سرمایه‌گذاران تنها با تغییرات ظاهری قیمت‌ها توجه می‌کنند، در حالی که معیار اصلی، قدرت خرید سرمایه است. اگر هنگام با تورم ارزش ریال کاهش پیدا می‌کند و قیمت دارایی‌ها متناسب با آن رشد نکنند، در واقع سرمایه‌گذار بخشی از قدرت خرید خود را از دست داده است؛ حتی اگر

یکشنبه ۲۴ خرداد ۱۴۰۵ | ۲۸ ذی‌الحجه ۱۴۴۷ | سال سیزدهم | شماره ۲۳۳۴ | Sun, Jun 14, 2026

بازار سرمایه



چنین فاصله‌ای میان قدرت خریداران و فروشنده‌گان معمولاً در روزهای مشاهده می‌شود که جو کلی بازار به شدت مثبت است و تمایل سرمایه‌گذاران برای خرید سهام افزایش پیدامی‌کند.

ارزش معاملات پایین ماند

با وجود این فضای مثبت، ارزش معاملات خرد در مقایسه با برخی روزهای پر معامله اخیر چندان بالا نبود. ارزش معاملات خرد سهام، حق تقدم‌ها و صندوق‌های سهامی در مجموع به ۱۱ هزار و ۲۹۲ میلیارد تومان رسید و در همین حال حجم معاملات نیز حدود ۴۴.۳ میلیارد گسه‌مهم‌ثبت شد. در نگاه نخست ممکن است این رقم نسبت به روزهای اوج بازار کمتر به نظر برسد، اما بررسی دقیق‌تر ساختار معاملات نشان می‌دهد که کاهش ارزش معاملات به معنای کاهش تقاضا در بازار نبوده‌است. در واقع بخش قابل توجهی از نمادهای بازار از همان دقایق ابتدایی معاملات با صف خرید روبرو شدند و فرصت چندانی برای انجام دادوستد در آنها فراهم نشد. زمانی که یک سهم در صف خرید قابل توجه می‌شود، معاملات واقعی کاهش می‌یابد؛ زیرا عرضه کافی برای پاسخگویی به حجم تقاضا وجود ندارد. همین دلیل، اگر چه اشتیاق برای خرید در بازار بالا بود، اما به دلیل محدود بودن عرضه، بسیاری از سفارش‌های خرید به معاملات تبدیل نشدند و همین موضوع باعث شد ارزش معاملات کمتر از ظرفیت واقعی بازار ثبت شود. نگاهی به وضعیت

فرمولی ساده برای فهم ارزش بازار

این تحلیلگر ارشد بازارهای مالی در بخش دیگری از سخنان خود تلاش کرد پیچیدگی تحلیل بازار را در قالب یک رابطه ساده توضیح دهد. او گفت: اگر بخواهیم ارزش یک شرکت را حتی کل بازار سهام را به زبان ساده توضیح دهیم، می‌توان آن را حاصل ضرب دو متغیر اصلی دانست؛ نخست سودآوری شرکت‌ها و دوم ضریب ارزش‌گذاری (P/E). نوربخش توضیح داد: در ادبیات مالی، سود هر سهم یا EPS مخفف Earnings Per Share به معنای سودی است که به هر سهم تعلق می‌گیرد. در کنار آن، نسبت P/E یا Price to Earnings قرار دارد که نشان می‌دهد سرمایه‌گذاران حاضر چند برابر سود شرکت را برای خرید سهام آن پرداخت کنند.

فرمول پایه ارزش‌گذاری سهام

نوربخش در ادامه افزود: برای مثال اگر شرکتی ۱۰۰ تومان سود برای هر سهم داشته باشد و بازار برای آن نسبت P/E معادل ۱۰ واحد در نظر بگیرد، ارزش نظری هر سهم حدود ۱۰۰۰ تومان خواهد بود. به بیان دیگر:

$$P = E \times (P/E)$$

یعنی قیمت بازارش برابر با ارزش است با حاصلضرب سودآوری (EPS) در نسبت ارزش‌گذاری (P/E). به گفته این کارشناس بازار سرمایه، ساده‌ترین چارچوب تحلیلی بازار بر رابطه فوق استوار است. وی در تشریح این رابطه گفت: قیمت بازار از یک سهم در نهایت از دو بخش تشکیل می‌شود: نخست میزان سودی که شرکت می‌سازد و دوم تگاهی که بازار به آینده آن سود دارد. بنابراین هر چه تمیزی در سودآوری شرکت‌ها یا انتظارات سرمایه‌گذاران می‌تواند باعث تغییر ارزش بازار شود. نوربخش در جمع‌بندی بخش اول از این مباحث مقدماتی، اظهار کرد: اگر بخواهیم بدانیم شاخص بورس در یک سال آینده چه وضعیتی خواهد داشت، باید ۲ سوال اساسی را پاسخ دهیم: نخست اینکه سودآوری کل شرکت‌های بورسی در آینده چگونه تغییر می‌کند و دوم اینکه بازار حاضر است چه نسبت P/E یا ضریب ارزش‌گذاری برای این سودها در نظر بگیرد. وی تأکید کرد: بنابراین تحلیل آینده بورس صرفاً برسی نمودارها یا اخبار روز نیست؛ بلکه مطالعه مجموعه‌ای از عوامل اقتصادی، پولی، ارزی، سیاسی و روانی است که بر سود شرکت‌ها و انتظارات سرمایه‌گذاران اثر می‌گذارد. نوربخش در پایان این بخش گفت: در ادامه این مباحث، هر یک از این عوامل به صورت جداگانه بررسی خواهد شد. با بتوان تصویری دقیق‌تر از برندگان و بازندگان احتمالی بازار در دوره پیش‌رو ارائه کرد.

اخبار

خیز نرخ سود به مرز ۲۴ درصد

تسلیم | بررسی‌های آماری از وضعیت بازار پول در هفته منتهی به ۲۰ خرداد ۱۴۰۵، از یک واقعیت مهم پرده برداری می‌کند: نرخ سود بین‌بانکی با چنان شدایی به سمت سقف حرکت کرده که حالا با ایستادن روی عدد ۲۳.۹۹ درصد، عملاً در یک قدمی پی‌نست ۲۴ درصدی قرار گرفته‌است. این صعود که از میانه اردیبهشت‌ماه شدت گرفته، نشان‌دهنده تغییر فاز جدی در معادلات پولی کشور است. زمانی که نرخ سود در بازار ششانه به سقف کردید و می‌چسبید، در ادبیات اقتصادی به این معناست که «عرضه پول» توسط بانک‌های دارای مازاد، به‌شدت کاهش یافته و بانک‌های متقاضی ناچارند برای جلوگیری از اضافه برداشت و جریمه‌های سنگین بانک مرکزی، به هر قیمتی نقدینگی مورد نیاز خود را تأمین کنند. تحلیل روند تغییرات این نرخ طی سه‌ماهه نخست سال، حکایت از یک مهندسی معکوس در بازار دارد. در حالی که در فروردین‌ماه نرخ سود در محدوده ۲۱ تا ۲۱.۲ درصد نوسان می‌کرد و امیدهایی برای کاهش هزینه تأمین مالی ایجاد شده بود، اما از هفته دوم اردیبهشت (با نرخ ۲۱.۲۳ درصد) جرقه یک روند صعودی مستمر زده شد. جهش ناگهانی به ۲۳.۳۱ درصد در اوایل اردیبهشت و سپس حرکت میلی‌متری از ۲۳.۸۱ به ۲۳.۹۹ درصد در خردادماه، نشان می‌دهد که بانک مرکزی آگاهانه شری نقدینگی را در بازار بین‌بانکی سفت کرده‌است. این سیاست که تحت عنوان «کنترل مقداری ترانزاکشن» شناخته می‌شود، اگر چه ترز شدت نقدینگی را می‌کشد، اما بانک‌ها را در یک تنگنای اعتباری شدید قرار داده‌است. در این میان، ثبات نرخ ریو (حداقل نرخ توافق بازخرید) در سطح ۲۳ درصد، پارادوکس عجیبی را رقم زده‌است. این فاصله یک درصدی میان نرخ ریو و نرخ بازار بین‌بانکی، پیامی صریح به شبکه بانکی دارد؛ سیاست‌گذار پولی تمایلی ندارد تمایز میان بازار را از طریق عملیات بازار باز و بانرخ‌آرزان‌تر پوشش دهد. در واقع، بانک مرکزی با این اقدام، بانک‌ها را مجبور کرده‌است تا نیاز خود را از طریق بازار بین‌بانکی و بانرخ‌های نزدیک به ۲۴ درصد (نرخ اعتباری قاعده‌مند) تأمین کنند. نتیجه مستقیم این رویکرد افزایش بهای تمام‌شده پول برای بانک‌هاست که به سرعت اثرات خنجر در کلان‌مقیاس بانک‌ها به‌مشارکت در پروژه‌های سرمایه‌گذاری و اعطای تسهیلات خرد نشان خواهد داد.

خبر خوب مرکز پژوهش‌های مجلس برای صنایع بورس

صنایع فعال بازار سرمایه طی سال جاری در حالی به استقبال تابستان می‌روند که بر اساس یک مطالعه انجام شده در مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی انتظار می‌رود تا ناترازی برق در فصل اوج مصرف به ۱۳.۶ هزار مگاوات کاهش یابد. این در حالی است که در سال گذشته انتظار می‌فت تا ناترازی در این حوزه به بیش از ۲۰ هزار مگاوات در سال ۱۴۰۴ برسد. بر اساس این گزارش در سال جاری میزان واقعی ناترازی با فرض صحت این رقم ۱.۱ هزار مگاوات خواهد بود. بررسی‌ها نشان می‌دهد که ناترازی در مصرف برق با توجه به سیاست‌های دولت در خصوص اولویت دادن به بخش خانگی و اعمال محدودیت بر صنایع، همواره یکی از مهم‌ترین مسائل مورد توجه فعالان بخش صنعت و ذینفعان بزرگ آن نظیر سرمایه‌گذاران در بازار سرمایه بوده‌است. دفتر مطالعات انرژی، صنعت و معدن مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در گزارش خود با عنوان «بررسی وضعیت تأمین برق در

تابستان سال ۱۴۰۵»، اعلام کرده‌است آسیب‌های ناشی از جنگ باعث خروج ۴.۸ هزار مگاوات از ظرفیت نیروگاه‌های خود تأمین صنایع بزرگ شده و بخشی از تقاضای صنایع پتروشیمی و فولادی نیز به دلیل آسیب حذف شده‌است که اثر نهای جنگ بر ناترازی برق ۱.۸ هزار مگاوات خواهد بود. با این حال بر آورد می‌شود در فصل بیک مصرف یعنی تابستان سال ۱۴۰۵ توان تولیدی نیروگاه‌های برقی ۹.۳ هزار مگاوات خواهد بود که تحقق این الگو منجر به افزایش حدود ۱.۲ هزار مگاواتی در حداکثر توان قابل بهره‌برداری برق آبی نسبت به سال گذشته می‌شود. از سوی دیگر، ظرفیت نیروگاه‌های تجدیدپذیر ۱.۶ هزار مگاوات خواهد سال گذشته به ۶ هزار مگاوات در سال جاری خواهد رسید که رشدی ۴.۴ هزار مگاواتی را نشان می‌دهد.

هر چند به دلیل ماهیت نوسانی این منابع، توان عملیاتی هم‌زمان آنها در پیک تابستان برای سناریوی واقع‌بینانه ۴ هزار مگاوات بر آورد می‌شود. از این رو بهبود افزایش ظرفیت تجدیدپذیر و امکان بهره‌برداری بیشتر از منابع برق آبی، نه تنها اثرات مثبتی از جنگ را جبران نموده، بلکه بر حداکثر میزان توان تولید برق در اوج تقاضا نسبت به سال قبل نیز افزوده‌است. در این گزارش تشریح شده‌است که در سناریوی واقع‌بینانه، حداکثر توان تأمین‌شده هم‌زمان شبکه حدود ۶.۸ هزار مگاوات بر آورد می‌شود، در حالی که تقاضای شبکه به بیش از ۸.۱ هزار مگاوات می‌رسد و این شکاف ناترازی ۱۳.۶ هزار مگاواتی را رقم می‌زند که البته این رقم در سناریوی خوش‌بینانه به ۱۰ هزار مگاوات و در سناریوی بدبینانه به ۱۸.۷ هزار مگاوات می‌رسد. در این میان، نکته حائز اهمیت آن است که به‌دلیل وابستگی تولید نیروگاه‌های خورشیدی به ساعات روشنایی، بخش قابل توجهی از کاهش ناترازی در روز محقق می‌شود و در نتیجه در صورت مدیریت نشدن بار، ممکن است کسری برق در شب نسبت به سال‌های قبل بیشتر گردد که مدیریت فوری این موضوع باید در دستور کار قرار گیرد. از منظر ناترازی انرژی نیز نتایج نشان می‌دهد در بیش از ۸۲ درصد ساعات تابستان، میزان ناترازی کمتر از ۱۰ هزار مگاوات است که این محدوده، بخشی اصلی ناترازی را تشکیل می‌دهد و جبران آن لزوماً به معنای احداث نیروگاه جدید نیست، بلکه می‌تواند از مسیر ارتقای مدیریت تولید نیرو و کاهش بهبود ضریب بهره‌برداری آنها تا سطح ۲ هزار مگاوات محقق شود، به طوری که رفع بخش اصلی ناترازی برق تنها نیازمند احداث حدود ۸ هزار مگاوات ظرفیت جدید نیروگاهی خواهد بود.